

گذری بر تاریخ کنسولگری آمریکا که روزگاری در خانه کوزه کنانی بود

شیطان در یک خانه تاریخی

سیده نعیمه ز یبنی| شاید بسیاری از مشه‌دی‌ها ندانند زمانی رفت‌وآمد آمریکایی‌ها در مشهد آن قدر زیاد بود که به بهانه‌اش در این شهر کنسولگری افتتاح کردند. از وقتی آمریکا چنین تصمیمی گرفت تا زمانی که موفق شد موافقت مسئولان را جلب کند و این‌کار رابه سرانجام برساند. دوسالی‌زمان برد اما آن‌ها دست از این نیت برنداشتند. برای صحبت درباره چرایی این اصرار و نیت‌های پنهان آمریکا، باید مطالعه بیشتری کرد تا بتوان نظر جامعی داد ولی بر همگان سودجویی‌شان آشکار است. در این مطلب به‌سراغ چگونگی افتتاح یک شعبه از لانه جاسوسی در مذهبی‌ترین شهر ایران رفته‌ایم.

نخستین حضور رسمی یک آمریکایی در مشهد در دوره قاجار خبری از آمریکایی‌ها نیست. شاید آن‌ها هنوز آن قدر قدرت نداشتند که بخواهند چپاول سیری‌ناپذیرشان را شروع کنند. آن‌زمان امتیازات میان روس‌ها و انگلیس‌ها در رفت‌وآمد است تا اینکه اندک‌اندک سرکوله یانکی‌ها هم پیدا می‌شود. آن‌ها در ابتدا برای حضور در پست‌های کلیدی مانند وزیر مالیه فراخوانده می‌شوند و با دولت وقت ایران قراردادهایی با اختیار اجرایی بی‌اندازه می‌بندند. فعالیت رسمی دولت آمریکا در مشهد مربوط به یکی از این قراردادها می‌شود. پیش از این ایرانی‌ها، اروپایی‌ها را زوده‌و دست‌از آن‌ها شسته بودند. به همین دلیل این بار آمریکایی‌ها را زودند. آن‌ها پس از مشروطه «مورگان شوستر» آمریکایی را به‌عنوان خزانه‌دار استخدام می‌کنند که تجربه کوتاهی بود. عمر هشت ماهه کار او در ایران با اولتیماتوم روس و انگلیس به پایان می‌رسد. یازده سال بعد دولت احمدقوام، «آرتور جستر میلسیپو» آمریکایی را به خدمت دولت ایران درآورد تا امور مالی ایران را برعهده بگیرد.

۴ مردادماه سال ۱۳۰۱ خورشیدی، مجلس شورای ملی قانون شورای ملی قانون استخدام میلسیپو را به‌عنوان رئیس کل مالیه ایران با اختیارات فراوان تصویب می‌کند و اس‌وال ۱۳۰۶ با پایان یافتن قراردادش از ایران می‌رود. بار دوم او در سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ خورشیدی به ایران می‌آید و این بار برای انجام امور محوله‌اش، آمریکایی‌ها را به مشهد می‌فرستد که می‌توان از آن به‌عنوان نخستین حضور رسمی دولت آمریکا در مشهد یاد کرد. میلسیپو به‌دنبال پروانه عبور بدون محدودیت برای مستخدم آمریکایی در این شهر است. آن‌زمان روس‌ها راضی‌اقدس‌رابه‌اشغال خودشان درآوردند و نفوذآن‌ها در اداره‌ان کاراکمی برای دیگر بیگانگان سخت می‌کند و صدور این ورقه را به تأخیر می‌اندازد.

میلسیپو بالاخره پروانه سفر به مشهد را برای «گوردون» می‌گیرد و این نخستین و آخرین پروانه از این نوع است که آمریکایی‌ها دریافت کرده‌اند. روزنامه آزادی در ۱۱ دیبهبهشت ماه سال ۱۳۲۳ خورشیدی چنین می‌نویسد: «مستر گوردون آمریکایی که از شش ماه قبل به سمت پیشکاری دارایی خراسان تعیین شده‌اند به اتفاق آقای ملک ایرج رکنی، مترجم و معاون خود، روز یکشنبه به مشهد ورود نمودند.»

● حواشی حضور آمریکایی‌ها در شهر

در آن‌زمان اختیار کشوردست‌هرکسی است به‌جز ایرانی‌ها، بنابراین ورود یک خارجی دیگر برای چپاولگران خیلی خطری بالقوه به حساب می‌آید و حاشیه‌های دیگری را به همراه دارد. به همین دلیل هواداران شوروی به مخالفت برمی‌خیزند که البته عده‌ای از آنان به زندان می‌افتند. یکی از این زندانی‌ها خواجهی نامی است که

تلگرافی در تاریخ ۳ خرداد سال ۱۳۲۲ خورشیدی، به استالین می‌فرستد و در تلگرافش ماجرای زندانی شدنش را شرح می‌دهد تا از حصار زندان خلاصی یابد. طبق توصیف خواجهی، به دلایلی اعزام مسیوگوردون آمریکایی به پیشکاری دارایی خراسان به تعویق می‌افتد و مرکزتشخیص می‌دهد که مأموران دولتی خراسان با مأموران شوروی مقیم خراسان هم‌دستی کرده‌اند و هیتی به نام بازرسی به خراسان اعزام می‌کند. این بازرسی به دستگیری ۴۰ نفر از مأموران ایرانی از جمله او منجر می‌شود. این زندانی از استالین می‌خواهد که به کنسولگری شوروی در مشهد دستور دهد در اقدامات هیئت بازرسی مداخله کند و این اتهام را از آنان برطرف کند. در ادامه، بورا چنکو، کفیل کنسولگری شوروی، با رئیس زندان مشهد ملاقات می‌کند تا به وضعیت این زندانی‌ها که طرف‌داران شوروی هستند، رسیدگی کند. در واقع حضور آمریکایی‌ها اولین حواشی را برای مشه‌دی‌ها به بار می‌آورد.

● برنامه هفت‌ساله، مقدمه کنسولگری

پس از جنگ جهانی دوم، رفت‌وآمد کارشناسان و متخصصان آمریکایی به مشهد زیاد می‌شود. ظاهراً آن‌زمان قرار است یک برنامه هفت ساله اقتصادی در خراسان اجرا شود و چند تن از متخصصان آمریکایی برای مطالعه و تهیه نقشه اقتصادی شهر با مسئولان همکاری می‌کنند. روزنامه آزادی ۱۳ اسفند سال ۱۳۲۵ در این باره می‌نویسد: «آقایان متخصص آمریکایی که برای مطالعه در قسمت‌هایی که باید در برنامه هفت‌ساله عمرانی و اقتصادی خراسان منظور شود به مشهد آمده بودند، پس از سه روز توقف در مشهد به تهران بازگشت نمودند. آقایان به کارخانجات نخریسی و نساجی و برق خسروی و کارخانه قند آبکوه رفته و آنجا را بازدید نمودند.»

رفت‌وآمد این متخصصان به مشهد همچنان ادامه می‌یابد و اخبار متعددی از حضور آن‌ها در شهر در جراید به چاپ می‌رسد. ۷ فروردین ۱۳۲۸ خورشیدی روزنامه آزادی از حضور دکتر «هال» به‌عنوان متخصص فرهنگی نام می‌برد و «اروز بعد، روزنامه آفتاب شرق از حضور چند متخصص دیگر خبر می‌دهد: «سه روز قبل مسیون آمریکایی برای برنامه هفت ساله وارد مشهد شدند. شاید همین رفت‌وآمد‌ها و افزایش تعداد آمریکایی‌های مقیم مشهد است که به راه‌اندازی کنسولگری آمریکا در این شهر منجر می‌شود. جالب است بدانید این اتفاق هم‌زمان با جمع‌آوری کنسولگری شوروی در مشهد می‌افتد.

● کنسولگری از شایعه تا واقعیت!

در ۱۱ شهریور سال ۱۳۲۷ خورشیدی، روزنامه آفتاب شرق از تصمیم آمریکا برای تأسیس کنسولگری در مشهد گزارشی چاپ کرده و می‌نویسد: « چون سفارت آمریکا تصمیم به تأسیس قونسولگری در مشهد گرفته است آقای جان هانری و الکی به‌عنوان ویس قنصل به مشهد وارد و مشغول تهیه منزل و مقدمات امر گردیده‌اند.»

دیگر جراید شهر نیز این خبر را انعکاس می‌دهند اما چند روز بعد همه آن روزنامه‌ها تکذیبیه این خبر را به چاپ می‌رسانند، به طور مثال ۲۲ شهریور سال ۱۳۲۷ خورشیدی جریده آزادی می‌نویسد: «... از ورود آقای جان هانری آمریکایی به مشهد چنین تلقی شده بود که برای تأسیس نمایندگی سیاسی آمریکا به این شهر آمده است. طبق اطلاع خبر مذکور صحت نداشت و آقای جان هانری به تهران بازگشته است.» در کتاب، کنسولگری‌ها، مستخدمان و مستشاران خارجی در مشهد» درباره این اتفاق چنین آمده است: «اواخر پاییز ۱۳۲۷ خورشیدی در زمان وزارت حکمت، مذاکرات در تهران در این زمینه خاتمه یافت و موافقت دولت در این مورد جلب و مقرر شد موضوع به استانداری خراسان اطلاع داده شود. کنسولگری انگلیس نیز نقش واسطه را در مذاکرات ایفا می‌کرد.»

طبق اسناد کتابخانه ملی ایران، خاوری رئیس دایره امور کنسولی استانداری در ۱۹ بهمن سال ۱۳۲۷ خورشیدی چنین گزارش می‌دهد: «برحسب وقتی‌که به وسیله کنسولگری انگلیس تعیین شده بود ساعت ده و نیم روز دوشنبه ۱۸ بهمن سال ۱۳۲۷ خورشیدی جان هنری والر نایب کنسول دولت آمریکا در تهران این جانب را ملاقات کرد. او تقاضا داشت در تهیه محل مناسبی برای کنسولگری مساعدت و تسهیلاتی فراهم شود.»

خاوری درباره منزلی در مشهد که مناسب این امر است با او مذاکره می‌کند. ظاهراً آمریکایی‌ها در نظر دارند که برای کنسولگری ساختمان بناکنند. خاوری به والر قول می‌دهد تا برای یافتن منزل مناسب و برپایی کنسولگری آمریکا بایک کنسول، یک نفر نایب کنسول و دو منشی همکاری کند که با توجه به این رویداد‌ها، گویا شایعه مطبوعات هم به واقعیت بدل می‌شود.

● کوزه‌کنانی میزبان آمریکایی‌ها

روزنامه آزادی در ۳ خرداد سال ۱۳۲۸ خورشیدی، این خبر را به مردم می‌دهد که «آقای والر اولین کنسول آمریکا در خراسان به مشهد وارد شده



نمایی از خانه تاریخی کوزه کنانی پیش از مرمت

در منزل آقای کوزه‌کنانی که برای کنسولگری انتخاب شده است، اقامت نمودند.» این منزل در محله چهراباغ و کوجه پنجه‌قرار دارد که اکنون به دست هیئت مذهبی فروشانی‌های خمینی‌شهر اسفهان در حال بازسازی است. آن‌طور که در «زندگی‌نامه خودنوشت حاج حسین ملک» درباره ملک کوزه‌کنانی آمده است، ابتدا این منزل متعلق به اسماعیل خان شجاع‌الملک هزاره بوده که آن را به حاج عبدالحسین زوار تبریزی می‌فروشد. این بنا سپس به حاج کاظم کوزه‌کنانی که از تجار معروف مشهد بود، واگذار و سپس کنسولگری آمریکا در آن بنا می‌شود. طبق اسناد برجای مانده در سازمان اسناد ملی وزارت کشور در ۲ تیرماه سال ۱۳۲۸ وزارت کشور به استاندار خراسان اطلاع می‌دهد «جان هنری والر» وابسته به سفارت آمریکا به سمت کنسولیار کنسولگری آمریکادر مشهد منصوب شده و تا ورود کنسول جدید عهده‌دار امور کنسولگری خواهد بود.

۱۳ تیرماه نیز استاندار خراسان به وزارت کشور اعلام می‌کند جان هانری والر به‌اتفاق همسر خود باربارا استوارت هانس به مشهد وارد شده است. ۹ مرداد ۱۳۲۸ خورشیدی، جراید می‌نویسند: «به‌مناسبت تأسیس کنسولگری دولت آمریکا در مشهد از طرف آقای جان والر کنسولیار آمریکا و بانو دعوتی از سران شهر و بانوان شده است. جناب آقای استاندار، فرماندهی لشکر، نیابت تولیت عظمی و رؤسای ادارات، مدیران مطبوعات و محترمین شهر ساعت شش عصر شنبه در عمارت کنسولگری حضور به هم رسانیده و مراسم معارفه به عمل آمده و تا ساعت هشت مجلس پذیرایی ادامه داشت.»

۹ شهریور هم سرکنسول آمریکادر مشهد به همراه معاونش و غلامرضا صمدانی مستشار کنسولگری به حضور استاندار وقت می‌رسند تا این حضور را رسمی کنند. طبق اخبار روزنامه خراسان، این کنسولگری تا آبان‌ماه سال ۱۳۴۷ خورشیدی در مشهد حضور دارد.

آبان‌ماه «هاوارد ویلیامز» کنسول آمریکا در آن‌زمان اعلام می‌کند به‌زودی این اداره را تعطیل خواهند کرد. ویلیامز علت تعطیلی را برنامه دامنه‌دار جهانی بیان می‌کند که باید جریان امور دولت ایالات متحده آمریکا در خارج را به مسیری سوق دهد که امکانات موجود به حد بالای‌کفایت و سودمندی مورد استفاده قرارگیرد. به زبان عامیانه، مشهد دیگر برای آن‌ها لقمه چربی نبود و آن‌ها باید دنبال سودهای کلان‌تر و چرب‌تر می‌گشتند و گرنه چه کسی است که از کشورگشایی و سودجویی آمریکایی‌ها خبر نداشته باشد!



شهریور ۱۳۰۹ خورشیدی پایان یافت.

*مطلب فوق از مجموعه، «کاوشی در گنجینه کتابخانه ملی ایران»، برداشت شده است. این مجموعه با رویکرد معرفی منابع شاخص و کمتر شناخته‌شده گنجینه نسخ خطی و منابع چاپی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران طراحی شده است و در هر روایت، یکی از آثار برجسته این گنجینه را پیش‌روی مخاطبان قرار می‌دهد.

شهر



پربین



ویرانه‌ای که روزی مهمان‌سرای میان‌راهی خراسان بود

رباط کال جنگی



هادی دقیق| خراسان از دیرباز به‌عنوان چهارراهی کلیدی نقش مهمی در رفت‌وآمد کاروانیان و در حوزه حمل‌ونقل داشته است. گذشتن راه ابریشم از دل بیابان‌ها و کوه‌های منطقه و وصل‌کردن شهرها مثل زنجیر به هم، همه نشانه‌هایی از این شبکه ارتباطی است. طبیعی است که در روزگار قدیم، این مسیر ارتباطی باید تا حدی مجهز می‌شده است که کاروان‌ها منزل به منزل جایی‌برای اقامت داشته باشند. یکی از این تجهیزات بین‌راهی، کاروان‌سراست. کاروان‌سراها در سراسر خراسان فراوانند و از نمونه‌های عادی تا مجلل و تشریفاتی را می‌شود بینشان دید. با وجود این، آن دسته از کاروان‌سراها که امروز از جاده‌های اصلی ماشین‌رو دور افتاده‌اند، چون از دیده رفته‌اند، انگار که از دل‌ها هم رفته‌اند. این کاروان‌سراها که هر کدام روایت‌های تاریخی در دلشان دارند، اگر شانس آورده باشند و نزدیک روستا نباشند تا به آغل گوسفند تبدیل شوند، متروکه و مخروبه شده‌اند.

● گذرگاه امن کاروان‌های عبوری

مناطق خوف و زوزن، روزگاری نه فقط مرکزی مهم در خراسان بوده‌اند، بلکه گذرگاهی امن برای کاروان‌های عبوری به‌شمار می‌رفته‌است. شمار کاروان‌سراهای این منطقه زیاد است. یکی از این کاروان‌سراها که در نزدیکی شهر تاریخی زوزن است، به رباط کال جنگی معروف است. این کاروان سرا، فروردین ۱۳۸۲ به‌عنوان اثری فرهنگی تاریخی متعلق به دوره تیموریان در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. رباط کال جنگی در چهل پنجاه کیلومتری شمال غربی زوزن و تقریباً بیست کیلومتری شرق روستای باغ بخشی، درست در دامنه کوه کبیر قرار دارد. کوهی که چندین تنگه و رود فصلی دارد که بهارش را دل نشین می‌کند. این وضعیت، موقعیت خوبی هم برای تأمین آب‌های زیرزمینی ایجاد کرده و اطراف کاروان سرا هم پر از چشمه‌قنات است؛ قنات‌هایی که احتمالاً آب مورد نیاز کاروان‌ها را تأمین می‌کرده‌اند.

● مهمان‌پذیر چهارایوانی

مصلح بنا ترکیبی از آجر و سنگ‌های نتراشیده است که در برخی جاها با گچ پوشیده شده‌اند. ورودی بنا از ضلع شرقی است. در کل، دیوارهای ضلع شرقی و ایوان‌ها و ستون‌های اسطبل با آجر پوشیده شده‌اند و تقریباً مصلح استفاده شده در بقیه بنا سنگ است. رباط کال جنگی چهارایوانی است و حیاط مرکزی کاروان سرا مربع است. بیرون بنا اما پلان متفاوت است.

بنا از بیرون، مستطیلی است با برج‌هایی دایره‌ای در چهار گوشه‌اش. در میانه سه ضلع دیگر بیرونی به غیر از ضلع شرقی که ورودی کاروان‌سراست و ایوان دارد، سه برج نیم‌دایره تعبیه شده است. کارکرد این برج‌ها در بیابان‌های شرق خراسان که به‌شدت هدف حمله اقوام شرقی بود، بیشتر دیده‌بانی بوده است. اما عنصر تزئینی نمای خشک و خالی بنا هم محسوب می‌شود. با همه این‌ها، ایوان سردر ورودی جور تزئینات بقیه بنا را کشیده است؛ دو طاق نمای آجری و تزئین شده به شیوه خفته‌راسته، تنها بخش تزئینی بناست، البته غیر از آجرکاری‌های پراکنده دیوار شمالی. در کل در رباط کال جنگی تزئینات خاصی دیده نمی‌شود. اما آجرکاری بنا به‌ویژه در ورودی آن آنقدر هست که در دیدالود چشم مهمان را برکند. سردر ورودی رباط کال جنگی شامل ایوانی است که دو دیوار منحنی اطرافش را گرفته‌اند. این دو فضا هر کدام یک چهارم دایره‌اند و انگار قاب ایوان ورودی را بغل کرده‌اند. در کل، همه تشکیلات سردر، از پلان اصلی بیرون زده و یک پیشخان برای پیشوا مسافرا ایجاد کرده است. پس از سردر، هشتی کاروان‌سراست. دو طرف هشتی دو اتاق تعبیه شده است. پس از هشتی، فضای سرپوشیده بناست که مال بند یا اسطبل بوده است. در کل، خود هشتی وسط این فضای سرپوشیده مستطیل شکل است؛ تالاری که سقفش را شانزده پایه‌گنبد و طاق‌ها و ستون‌های پیشان نگه داشته‌اند. چشمه طاق جلو هشتی نیز از همه بزرگ‌تر است و مرکزیتی در این فضا ایجاد کرده است.



● تاریخچه رباط تاریخی

در گزارش ثبت ملی بنا آمده است که احتمالاً سال ساخت این کاروان سرا به دوره صفویه می‌رسد. ضمن این، گفته شده که احتمالاً بنا در دو دوره ساخته شده است؛ دوره اول و قدیمی‌تر شامل فضای باز کاروان‌سراست و بخش سرپوشیده آن در دوره تیموری بنا شده است. رباط کال جنگی بین محلی‌ها به کاروان‌سرای شاه عباسی یا کاروان‌سرای باغ بخشی (به نام نزدیک‌ترین روستا به کاروان‌سرا) هم معروف است. متأسفانه کتیبه‌ای در بنا موجود نیست که تاریخ دقیق ساخت آن را نشان دهد؛ تنها نشانه وجود کتیبه، جایگاهی خالی زیر ایوان ورودی است، اما از خود کتیبه خبری نیست. با توجه به موقعیت مکانی بنا، این کاروان سرا احتمالاً در مسیر هرات به جنوب خراسان و شهرهای مرکزی ایران بوده است. پس از فضای سرپوشیده مال بند، حیات کاروان‌سراست. این حیات، چهارایوانی است و اطرافش پر از اتاق‌هایی است که همگی به دیوار اصلی کاروان سرا منتهی می‌شوند. ورودی برج‌ها و دسترسی‌های پشته‌بام هم در میان همین اتاق‌های حیات مرکزی است. متأسفانه امروز بخش بزرگی از بنا از بین رفته است. حتی با وجود مرمت‌های گاه‌وبیگاه، هیچ‌کدام از ایوان‌های رباط کال جنگی سقف ندارند. با وجود این، از آنجا که طاق اتاق‌های اطراف حیات مرکزی جزاغی است، به احتمال فراوان طاق ایوان‌ها هم همان جناغی مرسوم دوره‌های صفوی و تیموری بوده است. البته این را تا حدودی از پایه طاق‌های ایوان‌ها هم می‌شود حدس زد. روی دیوار همه اتاق‌ها و بر جهت‌های مختلف برج‌ها، تبرکش‌هایی به چشم می‌خورد که جدا از جنبه نظامی و دیده‌بانی، هواکش اتاق‌های کاروان‌سرا هستند. با همه این‌ها، اهمیت رباط کال جنگی جدا از جنبه معماری آن، شامل موقعیت مکانی آن هم می‌شود؛ موقعیتی ویژه که سر راه هرات به شهرهای تاریخی جنوب خراسان از جمله فردوس است. با وجود این، امروز کاروان‌سرا از مسیر و جاده اصلی خوف خیلی دور و تقریباً پرت افتاده است. همین عامل، سبب شده است کاروان‌سرای کال جنگی به چشم نیاید و روزبه‌روز خراب و خراب‌تر شود. اکنون رباطی که بی‌گمان سال‌ها میزبان تاجران و مسافران مسیر هرات بوده، ممکن است تا چندی دیگر، آجر و سنگش با دامنه کوهی که کنارش هست، یکی شود و دیگر چیزی از آن نماند.

 	منابع
 	کنسولگری‌ها
 	مستخدمان
 	و مستشاران
 	خارجی در
 	مشهد، تألیف
 	علی نجف‌زاده
 	اخبار
 	خراسان دوره
 	محمد رضا شاه
 	بهاروی پژوهش
 	و گردآوری
 	سید مهدی
 	سید قطبی
 	اسناد موجود در
 	مرکز اسناد ملی
 	نصرت‌الدوله
 	و میلسیپو به
 	اهتمام دکتر
 	ناصرالدین
 	بیروین و
 	محمد رسول
 	در باگشت
 	مأموریت
 	آمریکایی‌ها
 	در ایران
 	نوشته حسین
 	ابوزریابان

سند نوشت